



## Mirza Teher Razavi's Narration of the Bombardment of Holy Shrine of Imam Reza

Behzad Nemati<sup>1</sup>

### Abstract

The archive of Astan Quds Razavi Central Library hold as picture that illustrates the incident of bombardment of the Holy Shrine of Imam Reza in 1330 AH. This picture is a significant document from various historical and artistic aspects. It has been drawn and published to inform a specific event in a special way. Mirza Taher Mosanne Razavi, an artist and craftsman who held the positions of deputy supervisor of lighting and clock making of the Holy Shrine, portrayed the event in an impressive and detailed way when Russians invaded the Holy Shrine of Imam Reza. Although the historical resources narrate the event with different details, delving into the sources of the event and comparing them with Mirza Taher's picture, will shed light on the his look at the event and as well as the tricks and elements he used to make it more impressive. This picture is one of the earliest examples that have been produced for artistic informing and propagating against the invading forces that was produced and published in the form of a lithographic monograph. Therefore, this work is a significant document about a historical even, a narrative mixed with artistic impression that is close to the event in terms of the time of the event. Moreover, the picture is significant as it narrates and informs, shows the artist's view and emphasis on using impressive elements and his use of lithography to raise awareness about a specific event. As the artist was an artist from Mashhad, who served the pilgrims of the Holy Shrine.

**Keywords:** Mashhad, Holy Shrine of Imam Reza, Bombardment, Russia, Taher Mosanne Razavi.

1. MA in Iran Studies, Researcher in department of Culture and Art, Islamic Research Foundation of As tan Quds Razavi, Mashhad, Iran (behnema@yahoo.com)



## روایتگری میرزا طاهر رضوی از واقعه توپ‌بندی حرم رضوی

بهزاد نعمتی<sup>۱</sup>

### چکیده

در آرشیو کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی، تصویری وجود دارد که واقعه توپ‌بندی حرم مطهر در ۱۳۳۰ ق را روایت می‌کند. این تصویر از جهات مختلف تاریخی و هنری، اثری مهم محسوب می‌شود که به منظور اطلاع‌رسانی یک رویداد خاص و بارویکرد و شیوه‌ای ویژه ترسیم و منتشر شده است. میرزا طاهر مصنع رضوی، هنرمند و صنعتگری که سمت‌های نایب مشرف روشنایی و ساعت‌سازی حرم مطهر را بر عهده داشت، پس از حمله روس‌ها به حرم رضوی، واقعه را به نحوی تأثیرگذار و مملو از عناصر مختلف، در قالب نگاره ترسیم کرد. هرچند منابع تاریخی درباره جزئیات واقعه اختلاف دارند، با این‌همه، مرور گزارش منابع از واقعه و تطبیق آن‌ها با نگاره میرزا طاهر، نگاه او به واقعه و نیز ترندها و عناصری که برای اثرگذاری بیشتر به‌کاربرده را روشن می‌کند. این اثر از اولین نمونه‌های اطلاع‌رسانی و نیز تبلیغ هنری علیه نیروی متجاوز است که در قالب یک تک‌نگاره چاپ سنگی تولید و منتشر شده است. بنابراین، علاوه بر اهمیت سندی و تاریخی که به‌عنوان یک روایت آمیخته با تخیل هنری نزدیک به زمان واقعه دارد، نگاه او و تأکیدش بر عناصر تأثیرگذار و نیز استفاده‌اش از ابزار چاپ سنگی برای آگاهی‌بخشی درباره یک رویداد مشخص، از حیث روایت و خبررسانی ارزشمند می‌شود، به‌ویژه که آفریننده آن، از هنرمندان اهل مشهد و خادمان حرم مطهر نیز بوده است.

واژگان کلیدی: مشهد، حرم امام رضا (ع)، توپ‌بندی، روسیه، طاهر مصنع رضوی

۱. کارشناس ارشد ایران‌شناسی، پژوهشگر گروه فرهنگ و هنر بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد، ایران

(behnema@yahoo.com)

## مقدمه

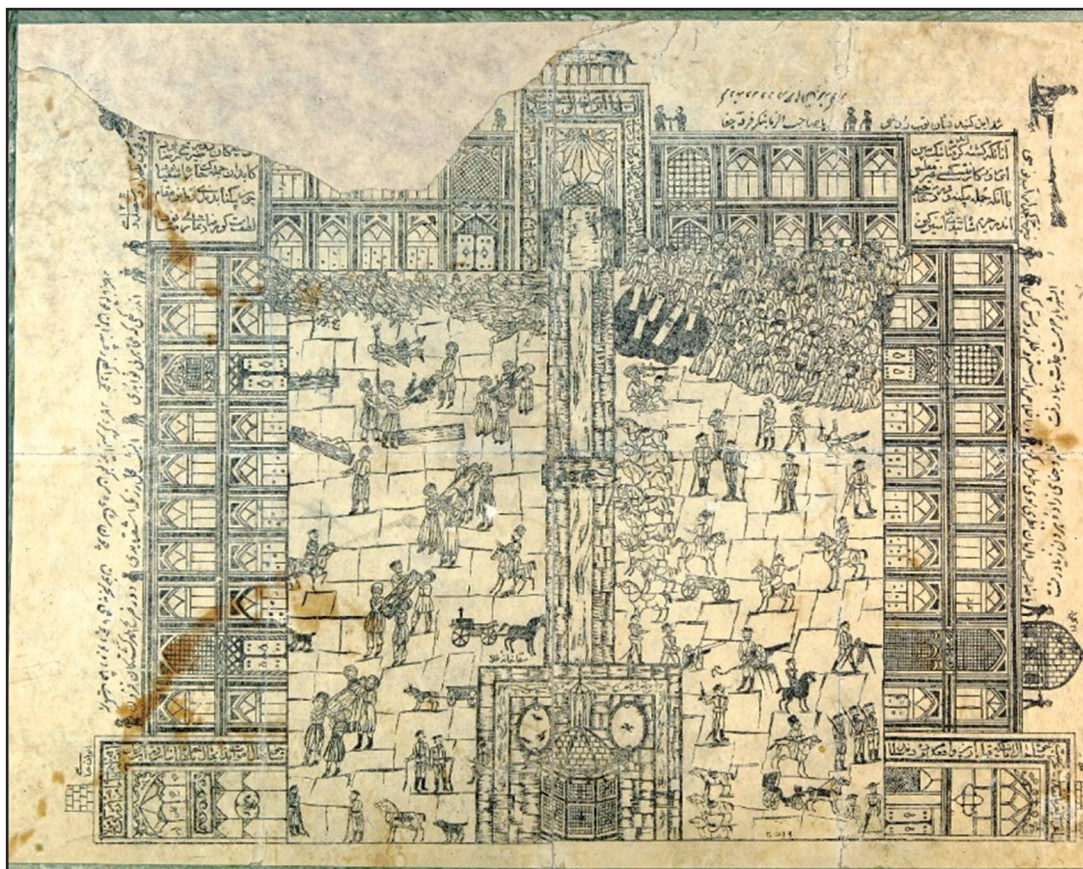
در آرشیو مدیریت اسناد و مطبوعات کتابخانه مرکزی آستان قدس تصویری به شماره ۸۱۶ وجود دارد که واقعه توپ‌بندی حرم مطهر در ۱۳۳۰ق را روایت می‌کند. (تصویر ۱) این سند یک تصویر چاپ سنگی در ابعاد ۴۳×۳۳٫۸ cm است که بر روی صفحه مقوایی چسبانده‌اند. تصویر کامل نیست و بالای آن در سمت چپ پارگی داشته که هنگام نصب به صفحه زمینه، آن را با کاغذ مرمت کرده‌اند. در پشت صفحه، مهر مرکز اسناد و شماره سند دیده می‌شود. این تصویر از جهات مختلف تاریخی و هنری اثری مهم است، زیرا در بحبوحه یک رویداد خاص و با رویکرد و شیوه‌ای جالب ترسیم و منتشر شده است. این پژوهش به بررسی نگاره مورد نظر، ترسیم‌گر آن و چگونگی روایت رویداد در اثر می‌پردازد. درباره واقعه توپ‌بندی منابع مختلف گزارش‌هایی داده‌اند که به اسناد و مکاتباتی مستند شده، حتی افرادی همچون پرسی سایکس که خود شاهد و به طور غیرمستقیم در ماجرا مؤثر بود، با ارسال عکس‌هایی از واقعه به اروپا و نگارش گزارشی کوتاه در کتاب تاریخ ایران، به این موضوع پرداخت، اما در میان اسناد و گزارش‌های موجود، هیچ‌کدام به نگاره میرزا طاهر اشاره نکرده‌اند و در میان غوغای رویداد، این تابلوی خبری از چشم گزارشگران دورمانده است. تابلویی ترسیم‌شده توسط فردی که وابستگی ویژه به حرم مطهر و فضای رخ‌دادن این واقعه پرخشونت داشته و شاهد واقعه و اثرات و صحنه‌های تأثیرانگیز بعد از آن بوده است.

## پیشینه پژوهش

درباره طاهر مصنع رضوی مقالاتی کوتاه توسط اسماعیل رضایی (۱۳۸۷) و ابوالفضل حسن‌آبادی (۱۳۹۳) نگاشته شده است، اما درباره نگاره توپ‌بندی حرم مطهر مطلب مستقلی منتشر نشده و به جز دو مورد، در جای دیگر به آن اشاره هم نشده است. سید محمدتقی مدرس رضوی در حواشی کتاب شجره طیبه (رضوی، ۱۳۸۴) به آفرینش این اثر توسط میرزا طاهر و عواقب آن اشاره‌ای مختصر دارد و حسن‌آبادی (۱۳۹۲) در مقاله‌ای درباره طاهر مصنع و زندگی او، به این تابلو اشاره نموده و تصویرش را آورده است.

## روش پژوهش

این پژوهش به روش تاریخی، با رویکرد توصیفی و تحلیلی بر اساس یک سند اصلی و چند سند معین و با کمک منابع کتابخانه‌ای نگاشته شده است.



تصویر ۱: نگارهٔ توپ‌بندی حرم اثر میرزا طاهر رضوی ۱۳۳۰ق (ساکماق، ۱:۸۱۶)

## طاهر رضوی

تصویرگر اثر، میرزا طاهر بن عبدالجواد مشرف رضوی (؟-۱۳۱۸ش) معروف به «طاهر رضوی» و ملقب به «مُصَنِّعُ التَّوَلِيهِ» هنرمند و صنعتگر مشهدی دورهٔ قاجار و پهلوی اول است که در هنگام توپ‌بندی حرم، در شمار خدمهٔ آستان قدس رضوی بود. او از خاندان خازنی سادات ناظریهٔ رضوی مشهد است. (رضوی، ۱۳۸۴: ۱۸۲؛ رضایی، ۱۳۸۷: ۱۰۵) تاریخ تولدش مشخص نیست. پدرش مشرف روشنایی حرم مطهر بود و پس از مرگ او در ۱۳۱۲ق، برادر بزرگترش میرزا هدایت، شغل پدر را عهده‌دار و میرزا طاهر نایب مشرف روشنایی شد. (رضوی، ۱۳۸۴: ۱۸۱؛ مصنع رضوی<sup>۱</sup>) (تصویر ۲) برادر دیگر او، میرزا حاجی آقا نیز بعداً به معاونت روشنایی حرم مطهر رسید. بنابراین، هر سه برادر در آستان قدس رضوی شاغل و به حُسن خط و ربط شهرت داشتند. (رضوی، ۱۳۸۴: ۱۸۳-۱۸۲)

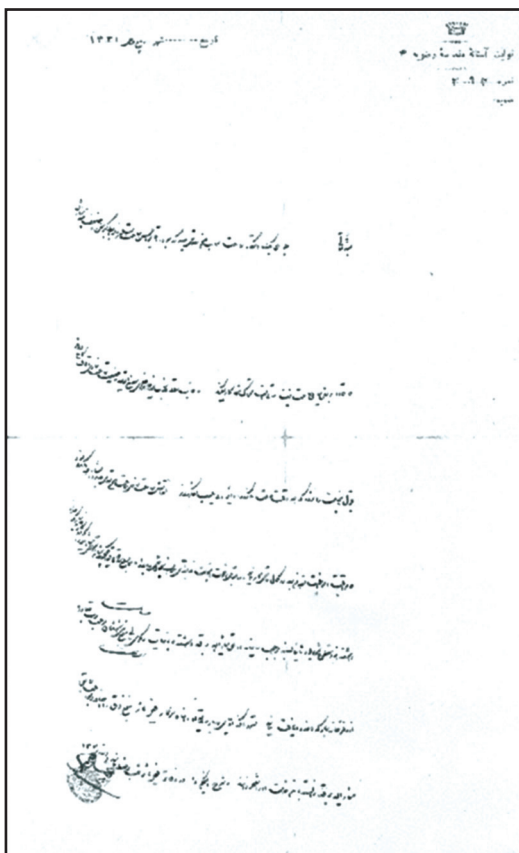
حُسن خط طاهر تنها برای نوشتن زیبای مکاتبات اداری و سیاق نویسی محدود نمی‌شد و در حدی بود که

۱. از دکتر ابوالفضل حسن‌آبادی برای ارائهٔ تصویر سند، سپاسگزارم.

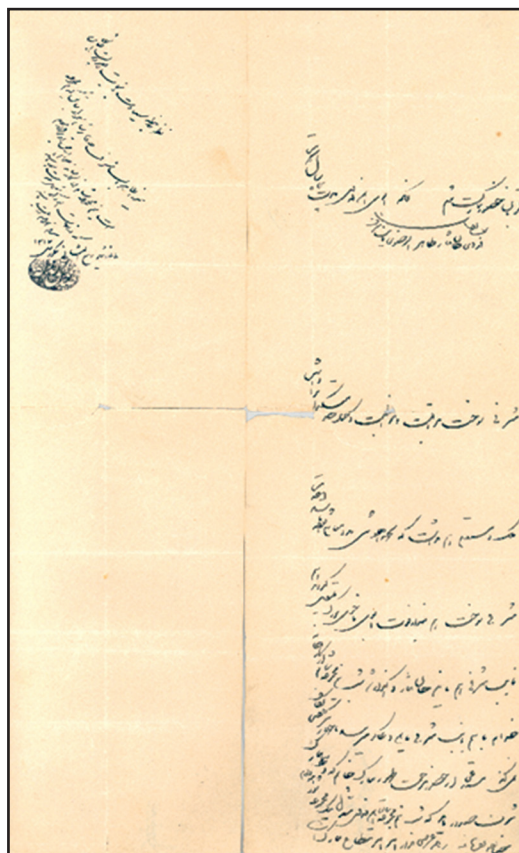
یک خوشنویس ممتاز به شمار می‌رفت و کتیبه‌نویسی می‌نمود. (رضوی، ۱۳۸۴: ۴۳۸، تکمله مدرس رضوی) دیوان اشعارش را خودش کتابت کرده و کتیبه‌هایی از او در صحن انقلاب (صحن کهنه/ عتیق) و مسجد گوهرشاد وجود دارد که مهارت و هنرش را نشان می‌دهد. عمده این کتیبه‌ها بازنویسی آثار خوشنویسان بزرگ گذشته همچون علیرضا عباسی و محمدرضا امامی اصفهانی است که با رقم «ط» یا «طاهر رضوی» نگاشته شده که از چیره‌دستی او در خط ثلث خبر می‌دهد. (صحراگرد، ۱۳۹۰: ۱۱۲، ۱۵۱، ۱۳۷؛ رضوان، ۱۳۴۰: ۷۷) او این خطوط را در اواخر دوره قاجار و هنگام تعمیرات مسجد جامع گوهرشاد، صحن عتیق و صحن نو نگاشته است. میرزا طاهر ذوق ادبی هم داشت. او را شاعری با طبع متوسط می‌دانند که علاوه بر اشعار مذهبی، ابیاتی دربارهٔ توپ‌بندی حرم نیز سرود. (گلشن آزادی، ۳۷۵) تخلص او «طاهر» و اشعارش در قالب دیوانی منتشر شده است. (رضوی، ۱۳۸۴: ۴۳۸، تکمله مدرس رضوی؛ حسن‌آبادی، ۱۳۹۲: ۵۷)

میرزا طاهر از پزشکی و علوم غربیه نیز آگاه بود و جزوه کوچکی به نام تجربه‌نامه، دانسته‌های پزشکی‌اش را نشان می‌دهد. او در کارهای صنعتی و فنی به اندازه‌ای مهارت داشت که نصیرالملک متولی‌باشی آستان قدس، در ۱۳۲۰ق به او لقب «مصنّع التولیه» داد و از او با احترام زیادی نام برد. (ساکماق، ۱۴۱۷۶۶: ۱) برخلاف مرسوم زمان که بذل و بخشش القاب و اسامی بی‌مسئولیت و تشریفاتی رایج بود، از فحوای حکم و سوابق طاهر برمی‌آید که این لقب را بنا به مهارت و شایستگی‌اش دریافت کرده است. او در چندین فن و صنعت مهارت داشت، اما بیشتر از همه به ساعت‌سازی مشهور بود و در حجره‌ای که در صحن عتیق داشت، کار تعمیر ساعت می‌کرد و در تنظیم دستگاه‌های حرم، به ساعت‌سازی می‌رساند. (همان: ۵۸؛ ساکماق، ۱۴۰۸: ۱) به‌گونه‌ای که در ۱۳۳۱ق، ابتدا به‌عنوان کمک میرزا حسن ساعت‌ساز پیر و ناتوان آستان قدس منصوب شد (ساکماق، ۱۴۱۷۶۴: ۱) (تصویر ۳) و سپس حکم «ساعت‌ساز آستان قدس» را دریافت کرد (ساکماق، ۱۱۱۳۸۷: ۱) و سرانجام پس از مرگ میرزا حسن در ۱۳۳۳ق مسئولیت کل ساعت‌های حرم، با حکمی از میرزا قلی‌خان طباطبایی، متولی‌باشی وقت به او واگذار شد. (ساکماق، ۱۴۱۷۶۵: ۱) در این حکم از اهمیت و حساسیت شغل ساعت‌سازی در حرم مطهر و «کمالات مخصوص آقا میرزا طاهر مصنع التولیه در این زمینه» یاد شده است. او این شغل را حتی پس از اصلاحات اداری گسترده ابتدای پهلوی اول نیز حفظ کرد (حسن‌آبادی، ۱۳۸۷: ۲۱۵؛ ساکماق، ۱۴۱۷۶۷: ۱) و با این سمت، در ۱۳۱۸ش درگذشت و در صحن عتیق به خاک سپرده شد. (حسن‌آبادی، ۱۳۹۳: ۵۰۶)

میرزا طاهر، نقاش نیز بود و از وی سیاه‌مشق‌ها، طراحی‌ها و نقاشی‌هایی باقی‌مانده که از ذوق و سلیقه هنری‌اش در این زمینه حکایت می‌کند. یکی از این نقاشی‌ها، از او نگارهٔ مرد درویش است که در پایین آن قیمت هم وجود دارد و نشان می‌دهد که برخی نقاشی‌هایش به صورت چاپی درآمده و فروخته می‌شده است. (حسن‌آبادی، ۱۳۹۲: ۵۹) شجره‌نامهٔ سادات رضوی که مورد استفادهٔ خاندان مصنع رضوی است، توسط او ترسیم شد. (رضایی، ۱۳۸۷: ۱۰۶) در این بین، معروف‌ترین نقاشی او، نگارهٔ توپ‌بندی حرم است.



تصویر ۳: انتساب طاهر رضوی به عنوان کمک ساعت ساز حرم در ۱۳۳۱ق (ساکماق، ۱۴۱۷: ۱)



تصویر ۲: مکاتبه طاهر رضوی به عنوان نایب مشرف روشنایی با صدیق الدوله متولی باشی آ

### واقعه توپ بندی حرم مطهر

واقعه مشهور به توپ بندی، یکی از فجایع دردناک حرم مطهر رضوی است. واقعه‌ای که در پی قرارداد معروف به ۱۹۰۷م (مطابق ۱۳۲۴ق) و حضور قوای نظامی روسیه تزاری در شمال ایران، از جمله خراسان رخ داد. واحدهای نظامی روسیه در چند مرحله وارد مشهد شدند که آخرین آن، ورود دسته‌هایی با توپخانه و تجهیزات کامل در ۱۳۳۰ ق. بود که به بهانه حفظ امنیت اتباعشان در شهر، عملی شد. رکن الدوله والی وقت خراسان، آنان را پذیرفت و اسکان داد. (خراسانی، ۱۳۸۲: ۶۳۳، ادیب هروی، ۱۳۳۱: ۱۷۱) این هنگامی بود که محمدعلی شاه علیه مشروطه حرکتی نافرجام نموده و مخالفان مشروطیت در مشهد، در کشمکش نسبی با انقلابیون بودند. این عده که پنهانی از سوی انگلیس و به ویژه روسیه حمایت می‌شدند، به سرکردگی افرادی همچون سید محمد یزدی معروف به طالب‌الحق، یوسف خان هراتی، علی‌اکبر نوقانی و محمد قوش‌آبادی، ارگ و سپس حرم مطهر را پایگاه اغتشاشات خودساخته، با گردآوری نیرو و سلاح، در کار شهر اخلال و ناامنی ایجاد می‌کردند. (همان: ۱۸۸؛ سایکس، ۱۳۸۰: ۶۰۱/۲؛ مدرس رضوی، ۱۳۷۸: ۲۲۷) در نتیجه تحریک افراد، به تدریج عده‌ای مردم عوام با

برخی فرصت طلبان مسلح در حرم مطهر جمع شدند. دسته‌ای به رهبری طالب‌الحق و علی‌اکبر نوقانی مسجد جامع گوهرشاد و صحن عتیق را در اختیار گرفتند و دسته دیگر به فرمان یوسف خان هراتی، صحن نو (صحن آزادی کنونی) را متصرف شدند. تفنگدارانی هم میان مسجد جامع و اطراف بست بالاخیابان و پایین خیابان و بازار بزرگ متفرق شدند و به ناامنی افزودند. به این ترتیب، امنیت شهر از میان رفت و روسیه به این بهانه نیروهایش را در شهر پراکند. سپس با افزایش درگیری‌ها، والی خراسان تحت فشار روس‌ها استعفا داد و قشون روس، امنیت شهر را در دست گرفت و نظمی را کاملاً خلع سلاح کرد. (ادیب هروی، ۱۳۳۱: ۲۰۷-۱۹۷؛ احمدخان، ۱۳۵۳: ۱۳۴؛ احتشام کاویانین، ۱۳۵۴: ۸۰)

در نهایت، ضرب‌الاجل چهل و هشت ساعت روس به گروه مستقر در حرم تمام شد و تلاش عده‌ای از جمله مرتضی قلی خان طباطبایی متولی باشی آستانه در پایان دادن به غائله، تأثیری نداشت. بنابراین، در ۱۰ ربیع‌الثانی ۱۳۳۰ق، دو ساعت و نیم مانده به غروب، روس‌ها از مواضع خود بمباران حرم مطهر را آغاز کردند که تا نیم ساعت از شب رفته، ادامه یافت. سپس با تصرف صحن کهنه و مسجد گوهرشاد، وارد روضه منوره شدند و به کشتار مردم و زائران پرداختند تا اینکه به واسطه فریادهای امان‌خواهی مردم، شلیک را متوقف کردند. (ادیب هروی، ۱۳۳۱: ۲۱۲؛ احمدخان، ۱۳۵۳: ۱۳۸-۱۳۶)

بعد از این جنایت، صحن کهنه را محل گردآوری اسیران قرار داده، دستور جمع‌آوری کشته‌شدگان را دادند. روز بعد اسیران را آزاد کرده و اعلانی در شهر منتشر ساختند مبنی بر اینکه هدف قوای روس، سرکوبی متجاسرین و برقراری امنیت بوده است. در دوازدهم ربیع‌الثانی اجازه دفن کشتگان صادر شد. از سران شورشیان تنها طالب‌الحق دستگیر شد و باقی متواری شدند. حرم مطهر تا چهار روز در تصرف قشون روس بود. روز چهارم، متولی را حاضر کرده و از او دستخط گرفتند که از اسباب حرم کاسته نشده و مقصود، از میان بردن مفسدین بوده است. (احتشام کاویانین، ۱۳۵۴: ۸۸؛ سایکس، ۱۳۸۰: ۶۰۳/۲) در این حمله که منابع آن را «فتنة الکبری» و «آشوب آخرالزمان» و «عاشورای ثانی» خوانده‌اند، خسارات زیادی به اماکن متبرکه، به ویژه گنبد مطهر و مسجد جامع گوهرشاد وارد آمد. برخی اشیای نفیس و کتب کتابخانه آستان قدس مفقود شد. تعداد کشتگان را تا ۸۰۰ تن نیز ذکر کرده‌اند، اما قول درست در این باره ۶۰ تا ۷۰ تن است. (اولیاء بافقی، ۱۳۶۸: ۲۳۲؛ سوهانین حقیقی، ۱۳۹۳: ۳۰۸)

### طاهر رضوی و ترسیم واقعه توپ‌بندی

چنانکه اشاره شد، طاهر یک سال بعد از واقعه توپ‌بندی، بخشی از کارهای ساعت حرم مطهر را به عهده گرفت و ظاهراً این شغل را در کنار نایب مشرفی سوخت یا همان روشنایی حرم، عهده‌دار بود. مطابق با گفته طاهر، او حجره‌ای در صحن عتیق داشت که در آن به امور ساعت‌سازی می‌پرداخت. او که از این رویداد سخت متأثر بوده، پنج روز بعد، توانسته بود در حرم مطهر وارد شود و در آن زمان درمی‌یابد که حجره و وسایلش به تاراج رفته است:

۱۳۶ روایتگری میرزا طاهر رضوی از واقعه توپ‌بندی حرم رضوی



مرا حجره‌ای بود در صحن عتیق  
 در آن شب که این واقعه آمد عیان  
 پس از پنجمین روز گشتم خبر  
 به اصلاح ساعت بدم من رفیق  
 به کاشانه بودم ز غم ناتوان  
 در آن حجره چیزی نمانده دگر  
 (حسن‌آبادی، ۱۳۹۲: ۵۹-۵۸)

در این زمان، اشعاری دربارهٔ حملهٔ روس می‌سراید و توپ‌بندی را در یک صفحه به تصویر کشیده، با اضافه کردن اشعار و عباراتی دربارهٔ حادثه در اطراف نقاشی، آن را به صورت چاپ سنگی منتشر می‌سازد، اما کنسولگری روس این مطلب را فهمیده، ضمن جمع‌آوری تصاویر، مدتی او را بازداشت و مؤاخذه می‌کند:

به یک صفحه شد رسم آن داستان  
 چو آن صفحه از طبع آمد برون  
 خبر یافت از آن نقشه کنسولگری  
 بگفتا بیاید شود دستگیر  
 مرا جلب کردند وقت پسین  
 که آگه شود روح اهل جهان  
 مرا بخت چون طبع شد واژگون  
 روانش برافروخت چون آذری  
 به زندان نظمیه گردد اسیر  
 به نظمیه بردند آن ظالمین  
 (رضوی، ۴۳۸؛ حسن‌آبادی، ۱۳۹۲: ۵۹)

در پایین نگاره و فاصلهٔ میان سقاخانه و ایوان طلا نوشتهٔ کوچکی وجود دارد که به صورت «۱۹ت ۳۰» خوانده می‌شود و شاید بتوان آن را به نوزدهم جمادی‌الثانی ۱۳۳۰ ق و تاریخ ترسیم نقاشی مرتبط دانست. با توجه به تمایلات ضد روس میرمرتضی قزوینی مدیر وقت دارالطباعة طوس (ادیب هروی و شهوازی، ۱۳۸۸: ۲۲۷) احتمالاً این تابلو در چاپخانهٔ او چاپ شده باشد. نقاشی ظاهراً با قلم فلزی و مرکب چاپ سنگی ترسیم شده است. طاهر رضوی پایان حادثهٔ توپ‌بندی و پردهٔ پایانی آن را به تصویر کشید. او در یک صفحهٔ افقی منظری از صحن کهنه را هنگام گردآوری کشتگان و بیرون بردن آنان از حرم و جمع کردن مردم در یک سوی صحن، مجسم می‌کند.

هنرمند به جای کادر عمودی که به دلیل ارتفاع بیشتر، معمولاً نماد رویش و ایستایی است، برای نگاره کادر افقی را انتخاب کرده که با طول بیشتر، روایت تسلیم و مرگ را بهتر و آسان‌تر ساخته است. در این صفحه، نیمهٔ شرقی صحن، یعنی از میانهٔ ایوان شمالی و جنوبی و سقاخانه اسماعیل طلایی به طرف ایوان نقاره‌خانه ترسیم شده است. در شمال شرقی صحن شماری در حدود ۳۰ تن از کشتگان در گوشه‌ای روی هم گذاشته شده و عده‌ای مردم از پیر و جوان، مشغول نهادن چند کشتهٔ دیگر در تابوت یا حمل آن‌ها به بیرون، از سمت شمال و جنب ایوان عباسی دیده می‌شوند. این صحنه، جایگاه قرارگیری اسرا و کشتگان و جهت بیرون رفتن آنان به سوی غسالخانه و قبرستان قتلگاه، مطابق با گزارش‌های تاریخی است. (همان: ۱۲۲، ۱۲۰) در میان این مردم، دو الی سه نیروی نظامی روس پیاده و سوار با اسب و سگ نیز حضور دارند. یک سالدات روس بر لبهٔ سکوی جلوی سقاخانه نشسته و به سوی گنبد طلا و پنجرهٔ فولاد می‌نگرد. نام سه تن از کشتگان «ملاحیدر»، «سید نوری»

و «شیخ بلوچردی [بروچردی؟]» دیده می‌شود. (تصویر ۴) ملاحیدر قادری یکی از کشتگان بنام بود که ظاهراً در ایوان طلای نادری به ضرب گلوله کشته شده بود. (همان: ۳۱۳)



تصویر ۴: سه تن از کشتگان که با نام مشخص شده‌اند

به غیر از رد گلوله‌های روی گنبد، تنها یک جای دیگر در کنار پنجره فولاد و داخل یکی از غرفه‌های بالایی، کلمه «گلوله» را نوشته است. در دو کنج شمال شرق و جنوب شرق صحن، دو قاب خالی به شکل قرینه باقی گذاشته و داخل آن‌ها اشعاری درباره این رویداد نوشته است: «آنانکه کشته‌اند و گرفتار، نیک بین / [...] با آنکه جمله بیگنه و در دعای خیر / اندر حریم شاه بُدندی اسیر کین». چند بیت دیگر نیز با همین مضمون، در اطراف تابلو و در بالای نمای غرفات صحن نوشته شده است. تنها این ابیات به خط نستعلیق و باقی نوشته‌ها به خط ثلث است. در کنج راست و بیرون از کادر تصویر، یک قبضه توپ و توپچی دیده می‌شود که به سوی گنبد مطهر نشانه رفته، در حال شلیک گلوله‌ای است و کنار او آمده: «ز چرخ کجمدار آبنوسی / شد این گنبد نشان توپ روسی». میرزا طاهر که بیننده رویداد نبوده و چند روز بعد وارد حرم شده است، اما شنیده است که در این حادثه ۷۱ تن کشته و ۲۰۰ مرد و زن از آن شب تا روز دیگر در حرم اسیر بوده‌اند:

ولی لشکر روس آن بی‌حیا	چو سیلی روان شد به صحن رضا
به گوش آمد هر لحظه آواز توپ	ز شصت تیر هم از شرین الکروب
ز توپ پیایی چنان شد هوا	که معدوم شده جوهر هر صدا
ز کشتار صحنین و مسجد دگر	مؤلف بگفتند — ندارم خبر
ولی بود هفتاد و یک تن عیان	به صحن رضا آن شه بی‌کسان
دو صد مرد و زن هم شبانگه اسیر	بدند تا به روز دگر دستگیر

(حسن‌آبادی، ۱۳۹۲: ۵۸)

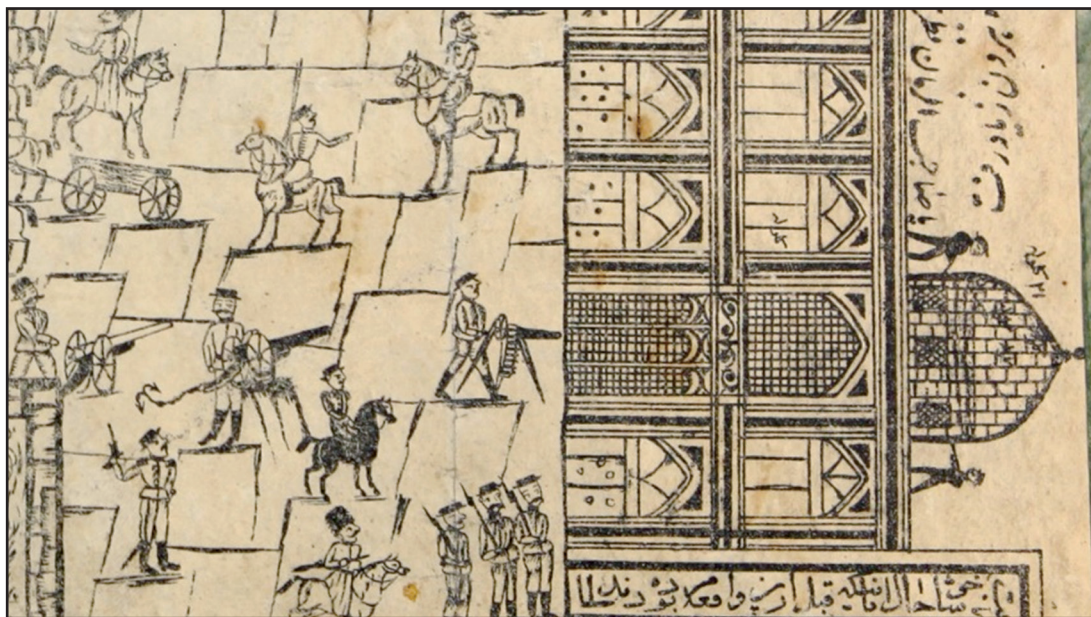
در گزارش‌های آن زمان از توپ‌بندی حرم به عنوان «عاشورای ثانی» یاد شده است، بنابراین نقاش همانند برخی پرده‌های تعزیه، برای تأثیرگذاری بیشتر، به جای ترسیم خود واقعه، پرده آخر و نتیجه آن را که نشان‌دهنده اسیران و کشتگان و جمع‌آوری جنازه‌ها و پراکندگی روس‌ها در حرم است، به تصویر می‌کشد. در بخش جنوب شرقی صحن، عده‌ای از مردم در حدود ۵۰ تن که شش نفرشان زنان هستند، در گوشه صحن نشانیده شده‌اند. پیرمردی

در پهلوی آن‌ها نشسته و کودکی را در بغل گرفته است و کنار آن‌ها نوشته شده: «دم ضریح کشته شده». (تصویر ۵) این صحنه احتمالاً به فردی به نام «شیخ نیشابوری» مربوط باشد که آن زمان مشهور بود فرزندش در مقابل ضریح و در آغوشش کشته شده است. (ادیب هروی و شهوازی، ۱۳۸۸: ۳۱۳)



تصویر ۵: کودک جان باخته در آغوش  
مرد و توضیح بالای تصویر: «دم ضریح  
کشته شده»

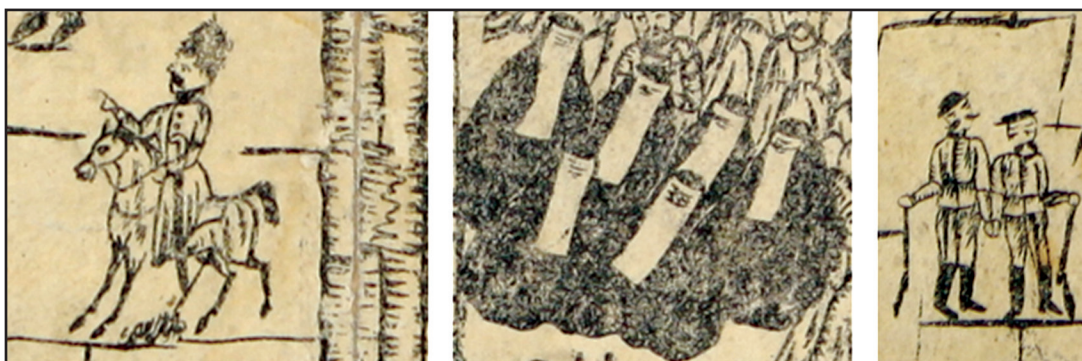
هشت اسب نظامی روس در امتداد یک بخش از جوی آب داخل صحن و سه اسب در قسمت دیگری کنار هم به صف شده‌اند. عده‌ای سوار و پیاده تفنگدار روس در این بخش از صحن پراکنده‌اند. یک درشکه، یک گاری و دو قبضه توپ و یک قبضه مسلسل در مقابل پنجره فولاد و رو به آن قرار دارد که سربازی در کنار هر کدام ایستاده است. این مشابه صحنه‌ای است که متولی باشی آستان قدس رضوی، هنگامی که اولین بار بعد از واقعه به صحن وارد شده، به چشم خود دیده است: «تمام صحن و مسجد مملو از سالدات و قزاق است، اسب‌ها را هم وسط صحن بسته، توپ‌ها را هم همان جا گذارده‌اند». (همان: ۲۳۳، بر اساس نامه مرتضی قلی خان طباطبایی) عده‌ای سرباز بر بام پراکنده‌اند و دو تفنگدار دیگر روس نیز در دو سوی گنبد، از پنجره‌ها به داخل گنبد اسلحه گرفته‌اند. دو الی سه سرباز روس نیز طپانچه به دست هستند. گنبد مطهر از گلوله‌های توپ آسیب دیده و کنار آن نوشته شده: «۲۱ گلوله».



تصویر ۶: سواران و مسلسل چیان رو به گنبد مطهر و پنجره فولاد- توضیحات و تأکیدات کلامی در کنار تصویر گنبد و ایوان

در بالای هر سه ایوان حاضر در تصویر، نام آن‌ها با عبارت «ایوان طلا»، «نقاره‌خانه» و «ایوان عباسی» نوشته شده است. آن روزها درگاه «قرآن‌خانه» حرم که در ایوان طلا قرار داشت، به‌طور موقت با شبکه سیمی کاملاً مسدود بوده و روس‌ها که از عدم ورود کسی به آن مطمئن بودند، واردش نشدند و با شگفتی، قرآن‌های نفیس داخل آن از دستبرد در امان ماند (همان: ۱۲۱) که درگاه مسدود قرآن‌خانه در نقاشی طاهر منعکس است. به‌جای عبارات اصلی کتیبه‌نمای ایوان‌ها، عبارات دعایی یا جمالتی تأثیرگذار درباره این واقعه به خط ثلث و به شکل کتیبه، نوشته شده است: «خوشا بحال آنانکه قبل از این واقعه مرده بودند» (در نمای ایوان طلا: تصویر ۶)، «خوشا بحال اموات، بدا به حال خراسانیان در این زمان» (نمای ایوان عباسی) در گوشه پایین دو زن با لباس فرنگی و کلاه دیده می‌شوند که از درشکه پیاده شده و در مقابل ایوان طلا به تماشا ایستاده و یکی از آنان چتری در دست دارد. پیدا است تنها درشکه‌ای که در صحن و همان نزدیکی است، مربوط به آن‌هاست. این قسمت از تصویر مطابق با گزارش‌هایی است که از بازدید عمال روس و «مادام‌هایشان» از داخل حرم، بعد از واقعه، خبر می‌دهد. (همان، ۱۲۱) شاید این صحنه بازتابی از بازدید کنسول‌های روس (دابیژا) و انگلیس (پرسی سایکس) از حرم است که در همین ایام، به همراه همسرانشان وارد صحن شده بودند (همان: ۱۲۹) و سلام نظامی یک روس در میان صحن به دو نفر دیگر، به این بازدید مربوط باشد. عکس مشهور توپ‌بندی حرم، در حین همین بازدید و توسط عکاس همراه کنسول انگلیس گرفته و توسط ایشان برای بدنامی بیشتر روس و تکذیب ادعاهای آنان، به چند جا ارسال شد. (همان: ۲۵۲، ۲۴۶)

روس‌ها تماماً لباس و کلاه مخصوص نظام دارند. سالدات‌ها لباس فرم و کلاه لبه‌دار و قزاق‌ها که بسیار کم‌تعدادتر هستند، با کلاه قزاقی دیده می‌شوند. هر دو دسته از این نظامیان در آن روز در صحن حاضر بوده‌اند. (همان: ۲۳۳، بر اساس گزارش مرتضی‌قلی خان طباطبایی) مردم عادی با کلاه و عمامه‌اند و تنی چند از کشتگان و اسرا، بدون کلاه دیده می‌شوند. زنان چادر سیاه بر سر و روبند سپید بر صورت دارند. (تصویر ۷) چهره کسانی که مشغول جمع‌آوری جنازه‌ها هستند، اندوهناک و چهره اسیران حیرت‌زده و غمگین است. درهای تمام حجره‌ها و ایوان طلا بسته است، اما در ایوان نقاره‌خانه به بست پایین، کاملاً باز و دو سرباز بر درگاه ایستاده‌اند.



تصویر ۷: پوشش زنان، سالدات‌های روس و سوار قزاق

میرزا طاهر این صحنه را - به جز برخی عناصر معدود مانند سقاخانه - مطابق با اصول نگارگری ایرانی و بدون عمق و یا پرسپکتیو ترسیم کرده و نقاشی از چند زاویه قابل دیدن است. هنرمند تمامی روایتش را تنها در پهنه نیمی از صحن جای داده و به ترسیم کامل صحن نیازی نداشته است. او تنها برای اینکه بتواند سقاخانه اسماعیل طلایی را کامل نشان دهد و ایوان شمالی و جنوبی را هم داخل کادر کند، اندکی از نیمه صحن فراتر رفته است. ترکیب بندی و فضا سازی کلی اثر به صورت مناسبی انجام شده است. نهر خیابان، صحن را به دو قسمت تقسیم نموده و عناصر سنگین مانند سه ایوان، گنبد مطهر و سقاخانه، در فضای تابلو پخش شده اند. به این ترتیب، اصول مهم نگارگری مانند «قرینه سازی» و «تعادل» در کار رعایت می شود. از آنجایی که امکان استفاده از رنگ های مختلف در نقاشی نبوده، با سیاهی و سفیدی و خطوط نازک و ضخیم، فضا را طراحی مناسبی کرده، فضاهای تیره و روشن را به صورت متعادل پدید آورده و جلوه گرافیکی زیادی به کار داده است. حضور شش زن در میان اسرا جلب نظر می کند. چادر سیاه و هیأت کلی بزرگ آنان که در صف اول هم نشسته اند، باعث توجه و اهمیت بیشترشان شده و از عناصر سنگین در تابلو است. در مقابل دو زن فرنگی اگرچه در فاصله نزدیک تری قرار دارند، اما در گوشه تابلو به صورت کوچک و سبک ترسیم شده اند.

او همچنین بنا به پیوند قدیمی میان نقاشی ایرانی و خوشنویسی، با نگارش اییاتی در اطراف، فضا سازی و کادربندی را کامل کرده است. به این ترتیب که دورتادور لبه صحن را با جدولی بسته و برای پر کردن فضای اطراف، عناصر بلند و کشیده بیرون زده از جدول، یعنی گنبد طلا و ایوان ها، از خطاطی استفاده کرده است. فضای خالی گوشه های صحن را هم قاب بندی و داخل آن ها را خوشنویسی کرده است. بنا به شیوه رایج نقاشی های مذهبی، لباس، صورت و حتی هیكل عناصر اشیایی و اولیایی از هم مجزا و متفاوت است. روس ها لباس ویژه و متمایز از دیگران دارند که البته در واقع چنین تفاوتی در پوشش آنان وجود داشته است. اندازه بدن تمام افراد روس و حتی اسبان شان از مردم کوچک تر است و در عین شقاوت، حقیرتر جلوه می کنند. چهره آنان یکسان و فاقد هرگونه روح است، اما احساس درد و غم در چهره اسیران پیداست.

در اثر طاهر، برخی جزئیات واقعی مانند کاربردی های ایوان ها و حجرات، شبکه های پنجره فولاد و سقاخانه، همچنین سنگچین حاشیه نهر آب و سکوی سقاخانه، لباس و کلاه برخی افراد و یا اجزای گاری آبکش به خوبی دیده می شود، اما در ترسیم حوض های اطراف سقاخانه و یا منظره مختصر بیرون صحن در بست پایین، تلاشی برای واقعی بودن نقاشی نداشته و پرنده هایی در حال شنا در حوض ها و سه درخت در مقابل صحن مشاهده می شوند. موارد تأثیرگذارتر، مانند تعداد گلوله های اصابت کرده به گنبد و کودکی که کشته شده و محل کشته شدنش که کنار ضریح مطهر بوده را با توضیح نوشتاری همراه و به آن تأکید کرده که این امر در نگارگری ایرانی دیده می شود.

او به طور کلی شماری از عناصر تأثیرگذار و حساسیت برانگیز واقعه را که از سوی مردم دیده و روایت شده، در تابلوی خود منظور کرده است: آوردن اسبان و سگان به داخل صحن از سوی روس ها، حمل جنازه هایی که بعضاً برهنه اند و یا زنان اسیر در مقابل حضور زنان خارجی با پوشش خاص خودشان در صحن (ادیب هروی و

شهوازی، ۱۳۸۸: ۳۲۹) که همگی به عنوان بی‌احترامی و هتک حرمت حرم مطهر نمودار است. هنرمند خود نیز عناصر دیگری به داستان افزوده است، مانند توپی که از بیرون کادر صحن، به سوی گنبد مطهر در حال شلیک است و یک بیت شعر کنار آن. این توپچی در حال شلیک و نیز تفنگداران کنار گنبد، در حال نشانه‌روی به داخل بقعه مطهر، تنها عناصری هستند که از زمان روایت، یعنی پایان ماجرا، عقب‌تر بوده و نقاش با گذاشتن آن‌ها در کار، به واقعه اصلی و هنگامه کشتار، گریزی زده است. (تصویر ۸)



تصویر ۸: شلیک گلوله توپ به سوی گنبد مطهر، خارج کادر اصلی

میرزا طاهر بعد از ترسیم این پرده و انتشار آن، توسط روس‌ها شناسایی و دستگیر می‌گردد و این اثر جمع‌آوری می‌شود. (رضوی، ۱۳۸۴: ۴۳۸، تکمله مدرس رضوی؛ حسن آبادی، ۱۳۹۲: ۵۹) با توجه به جو ملتهب آن روزها، او احتمالاً با وجود آگاهی از خطر، آن را انجام داده است. این کار او از آنجا بسیار مهم‌تر می‌شود که بدانیم مطبوعات کشور در این زمان تعطیل، اطلاع مردم از جزئیات واقعه بسیار اندک و راه‌های اطلاع‌رسانی به شدت محدود بوده است. (ادیب هروی و شهوازی، ۱۳۸۸: ۲۶۰) روس‌ها چنان نسبت به انعکاس واقعه حساس بودند که بعد از رویداد، متولی باشی را احضار و از او دستخط گرفتند که حرم را سالم و صحیح تحویل گرفته است. (همان: ۲۳۴)

### نتیجه

تابلوی توپ‌بندی تلاشی برای توصیف واقعه و خبررسانی درباره یکی از مهم‌ترین حوادث تاریخ مشهد و حرم مطهر رضوی با زبان هنر است. هنرمند با ترسیم این تابلو و چاپ و نشر سریع آن، تلاش داشته از نقاشی به عنوان

ابزار هنری و از صنعت چاپ که به تازگی رواج یافته بود، برای خبررسانی و تبلیغ علیه اشغالگران روس استفاده کند. خالق اثر یک نقاش حرفه‌ای یا اکسپرسیون نبوده، بنابراین همه عناصر در خدمت اثر قرار نداشته و هدف اصلی روایتی تأثیرگذار از واقعه بوده است. اگرچه این اثر از نظر کیفیت هنری در شمار آثار برجسته نیست و آفریننده آن بیشتر خوشنویس و صنعتگر بوده تا نقاش، اما او روایتگر و ناظری هنرمند بر برگی مهم و دردناک از سرگذشت حرم مطهر و مشهد است که روایتی ویژه از آن به دست مردم روزگار خود و آیندگان داد و اثری آفرید که علاوه بر اهمیت سندی و تاریخی، به عنوان یک روایت آمیخته با تخیل هنری نزدیک به زمان واقعه، از حیث روایت و خبررسانی، زاویه نگاه و تأکید بر عناصر تأثیرگذار و نیز استفاده از ابزار چاپ سنگی برای اطلاع‌رسانی یک رویداد مشخص، اهمیت ویژه‌ای دارد.

## منابع

۱. احتشام کاویانیان، محمد. (۱۳۵۴). شمس‌الشموس. مشهد: آستان قدس رضوی.
۲. احمدخان. (۱۳۵۲). «وقایع مشهد». مشروطه گیلان از یادداشت‌های رایینو. به‌کوشش محمد روشن. رشت: طاعتی.
۳. ادیب هروی، محمدحسن. (۱۳۳۱). انقلاب طوس یا پیدایش مشروطیت ایران. مشهد: بی‌نا.
۴. ادیب هروی، محمدحسن، و ستار شهوازی. (۱۳۸۸). انقلاب طوس-واکاوی جسارت ارتش تزار به حرم مطهر رضوی. تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
۵. اولیاء بافقی، حسین. (۱۳۵۲). «وقایع مشهد». مشروطه گیلان از یادداشت‌های رایینو. به‌کوشش محمد روشن. رشت: طاعتی.
۶. حسن‌آبادی، ابوالفضل. (۱۳۸۷). سادات رضوی در مشهد از آغاز تا پایان قاجاریه. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
۷. حسن‌آبادی، ابوالفضل. (۱۳۹۲). «یادی از مصتغ آستان قدس رضوی». آستان هنر. (شماره ۷)، ۵۹-۵۴.
۸. حسن‌آبادی، ابوالفضل. (۱۳۹۳). «رضوی، طاهر». دائره‌المعارف آستان قدس رضوی. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
۹. رضایی برجکی، اسماعیل. (۱۳۸۷). «رضوی-طاهر». مشاهیر مدفون در حرم رضوی. ج ۳. به‌کوشش غلامرضا جلالی. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
۱۰. رضوان، محمدحسن. (۱۳۴۰). «سردر صحن عتیق». نامه آستان قدس. (شماره ۷)، ۷۷-۷۶.
۱۱. رضوی، محمدباقر. (۱۳۸۴). شجره طیبه در انساب سلسله سادات علویه رضویه. تصحیح و تکمله محمدتقی مدرس رضوی. مشهد: آهنگ قلم.
۱۲. سایکس، سر پرسی مولزورث. (۱۳۸۰). تاریخ ایران. ج ۲. ترجمه محمدتقی فخرداعی گیلانی. تهران: افسون.
۱۳. سوهانیان حقیقی، محمد. (۱۳۹۳). «توب‌بندی حرم». دائره‌المعارف آستان قدس رضوی. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
۱۴. صحراگرد، مهدی. (۱۳۹۰). شاهکارهای هنری در آستان قدس رضوی: کتیبه‌های مسجد گوهرشاد. مشهد: مؤسسه آفرینش‌های هنری آستان قدس رضوی.
۱۵. گلشن‌آزادی، علی‌اکبر. (۱۳۷۳). صدسال شعر خراسان. به‌کوشش احمد کمال‌پور. مشهد: مرکز آفرینش‌های هنری آستان قدس رضوی.

۱۶. مدرس رضوی، محمدتقی. (۱۳۷۸). سال شمار وقایع مشهد. به کوشش ایرج افشار. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.

#### اسناد

ساکماق (سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی)

۱. ۸۱۶، ۱۰۴۲۰۸، ۱۱۱۳۸۷، ۱۴۱۷۶۴-۱۴۱۷۶۷

۲. مصنع رضوی، محسن. (۱۳۱۷ق). مجموعه اسناد خانوادگی مصنع رضوی، مکاتبه طاهر الرضوی نایب مشرف سوخت با صدیق الدوله.